

2 Ä v .. q. É Z Ä € Æ ¿ f ^ ^ Á ¶ Á ¼ { Z v 1 e Á Y, Ä . Z - » € ‡

3 Ä v .. μ.Z.^ »} 10 • { ½ Z È Ä n \ O E • Z ¼ Y , 3

5 Ä v .. d. ^ . È • ì v / ½ Z ½ • Y € ¾ Z È Ä n Z O E Ä | Y È { , 3

13 Ä v .. { Y Ä M ' O E { Ä Y Ä È M Ä Ä } < { Ä : ¾ ° ½ Z % • Y , 3

15 Ä v .. [Ô - ã Z ³ É Z Á , ð { | Ä { E f Y Z ‡ 1388 • } M Ä Ä • Z ¼ <

16 Ä v .. [Ô - Ê X ð Y Ä E ð . Æ ÿ Z ¼ Z m ‡ Z Ä »
Email: jahanenovin@gmail.com

18 Ä v .. | Ä . f . s € ² Z Á | € § € ° q : € < http://jahanenovin.blogspot.com

Ê È Ä n O E Z ; " Y { € f Y Y
1351 • } M ½ Y Ä Z E O E ¿ Y {
1388 • } M Ä Ä ° , Y Z ' O Ä ; Y Y { Ä Z ' O E ¿ Y {

لزوم اتحاد عمل و همبستگی

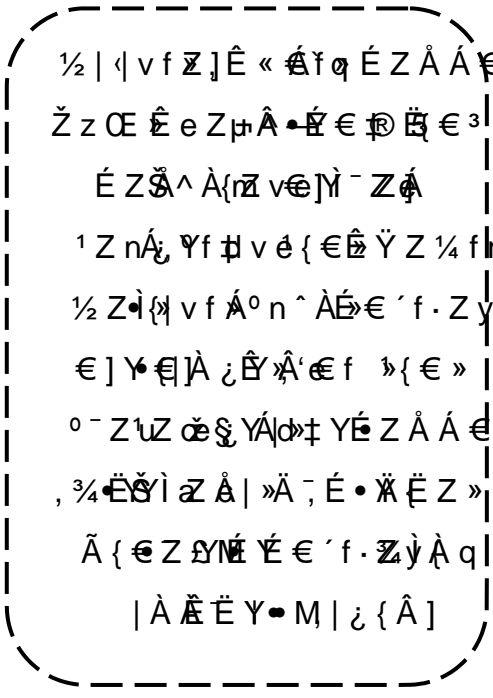
نیروهای چپ

سامان راد

ماه محرم، دسته های عزاداری، محافل مذهبی و دسته های حسینی که روزی از پایه های نظام بود، بر اثر گذشت زمان، و حوادث پس از انتخابات، دقیقاً به عامل ترس در درون سیستم حاکم و مجرای برای ابراز مخالفت برای مردم معترض تبدیل شده است. رهبران اصلاح طلب از قبل برنامه هایی برای ماه محرم و حضور شبانه مردم در خیابان ها تدارک دیده اند، از همین حالا بحث، حضور میلیونی از میدان امام حسین تا آزادی است. از سویی دیگر، همان گونه که تظاهرات های 13 آبان و روز قدس، بر خلاف سنت چندین دهه ی گذشته به تسخیر مردم در آمد و فضایی برای اعتراض خیابانی محیا شد، تظاهرات 22 بهمن نیز در پیش است.

در روزهای آتی، چه محرم و چه 22 بهمن، مشخصاً فرصتی پیش خواهد آمد که مردم مجدداً به خیابان ها آمده و اعتراضشان را فریاد بزنند آن سوی میدان هم، رهبران اصلاح طلبی حضور دارند که به همان اندازه دولت، از مردم معترض و مردم حاضر در خیابان ها وحشت دارند. مردم معترض برای این رهبران، تنها حکم کارت های بازی قمار قدرت هستند. باید هر موقع به آنها نیاز بود، با شعار های مورد علاقه آنها به خیابان بیایند، و پس از کسب امتیازات و زد و بند های سیاسی رهبران از بالا، به خانه های خود باز گردند. هر جا که شعارها و خواسته های این مردم از سطح خواسته های اصلاح طلبان فراتر می رود، موج وحشت در اردوگاه آنان به راه می افتد و به دنبال راه حلی برای تحدید دوباره مردم می افتند. مضحکه آتش زدن عکس بنیانگزار جمهوری اسلامی، و اعلام حمایت از «امام راحل» از سوی رهبران، و حتی دعوت مردم معترض به تظاهرات برای اعلام انزجار از هتک حرمت «امام راحل»،

همه و همه بازی ای بود که هم خود دولت از آن سود می برد و هم جناح اصلاح طلب دولت در این میان، یک عکس پاره شده را بهانه سرکوب بیشتر می کند، و رهبران اصلاح طلب آن را ملعبه ای می کنند تا با تجدید میثاق با آرمان های فردی که عکسش پاره شده، از فراروی مردم معترض از این عکس ها و تقدس های چندین و چند ساله جلو گیری کنند. واضح هم هست، خواسته ی این رهبران به هیچ عنوان یک دگرگونی رادیکال اجتماعی نیست، آنها فقط خواسته هایی بنابر منافع خود در همین چارچوب را دنبال می کنند. و هنگامی که خواسته های مردم معترض فراتر از آن رود، به شکلی متفاوت، اما همگام با جناح حاکم،



برای کم کردن شعله خشم مردم و رقیق کردن شعارها تلاش خواهند کرد. فوت سید علی منتظری، نیز مجدداً فرصتی فراهم کرد تا احاطه رهبران بر این جنبش شدیدتر شود. در این میان، هم صدایی شبکته هایی مثل «بی بی سی سی» فارسی نیز نشان دهنده همراهی این خبرگزاری ها با آنها، و منافع آنان در ایران است. شاید هیچ کدام از رهبران رفورمیستی ایران فکرش را هم نمی کردند که پس از ان بساط پاره شدن عکس، این بار فوت یک مرجع شیعه بتواند فضا را برای آنها بهتر کند. وجهه ای که منتظری،

با تلاش هایش برای نجات زندگی مخالفان نظام حاکم، قبل و بعد از تابستان 1367، به دست آورد و به قیمت اخراج او از حاکمیت تمام شد، این فضا را گشوده است. اصلاح طلبان امروزی که هم در زمان اعتراضات منتظری به اعدام ها و شکنجه ها در دهه 1360، و هم در دوره پنج ساله حبس خانگی او از 1376 تا 1381، حاکمیت را در دست داشتند، اما برای حمایتش اقدامی نکردند، پس از فضاییای خرداد امسال هم، از حمایت های منتظری برخوردار بودند. اصلاح طلبان در آینده به شدت روی این دو مسئله (پاره شدن عکس، و اعلام برائت از عاملان و آمران آن، و همچنین تجدید میثاق با آرمان های «امام راحل»، و فوت سید علی منتظری) مانور خواهند داد تا جنبش مردم معترض را دقیقاً در چارچوب های مورد نظر خود هدایت کنند. بازگشت به آرمان های امام، آرمان های اوایل انقلاب، و رجوع به روحانیت حقیقی، همه و همه بساطی است که از سوی این رهبران به راه خواهد افتاد. این دو مساله می تواند ملعبه ای باشد برای چند قدم به پس برداشتن جنبش و تلاش رهبران اصلاح طلب برای بازگرداندن شعارها به سطحی که خود خواهان ان هستند.

اما در این میان نیروهای چپ کجا هستند؟ نقش نیروهای چپ چیست؟

مسئله اگر دخالتگری موثر و منسجم نیروهای چپ در میان مردم معترض، و به خصوص در همین روزهای پیش رو نباشد، اصلاح طلبان با همکاری رسانه های غربی، با شعارها و شیون و زاری بر یک عکس و یک قبر، جنبش را به عقب خواهند راند و همان چند قدمی که در ماه های گذشته به پیش برداشته شده بود را از میان خواهند برد. اگر چنین سناریویی اجرا شود، با پایان یافتن آنچه که کربوبی «دعوی خانوادگی در درون نظام» می خواند، مردم دچار ناامیدی و رخوت شدید خواهند شد و جنبش های اجتماعی تحت سرکوب های شدید تری قرار خواهند گرفت.

شاید در ماه های گذشته نیروهای چپ، و به خصوص دانشجویان چپ، به شکل پراکنده، در

نیازمند زمان طولانی تری است، و هم اینکه بدون طی پروسه های متعدد «اتحاد عمل»، به دست نمی آید. آنچه ما دانشجویان و نیروهای چپ را به آن دعوت می کنیم، اتحاد عمل گرد اصولی است که همگی آنها را باور داریم، تا در برابر نفوذ راست در میان جنبش مردمی بایستیم. برای ایجاد این اتحاد عمل، بحث و تبادل نظر را آغاز کنیم!

و خواسته های اجتماعی که نیروهای چپ، پی گیرشان هستند، مهم تر از منافع فردی، گروهی و گرایشی است. نیروهای چپ و مترقی، با متحد شدن گرد یک سری اصول طبقاتی مشخص و با تاکید بر اتحاد جنبش های اجتماعی مردم تحت ستم، و انجام دخالتگری منسجم و متحد در میان مردم معترض، می توانند در برابر نیروهای راست و مدافع نظام حاکم سرمایه داری، که مدت ها پیش از این، چنین دخالتگری ای را آغاز کرده بودند، صف آرای کنند. مسلماً منظور ما «اتحاد نظر» نیست، چرا که رسیدن به اتحاد نظر، هم

اعتراضات مردمی شرکت کرده باشند، اما به هیچ عنوان این دخالتگری جداگانه و توأم با خرده کاری، کارساز نخواهد بود. دخالتگری در این جنبش و صفوف آن، نیازمند اتحاد عمل نیروهای چپ و مترقی است. خواسته های مشترک و یک سری اصول مورد قبول این نیروها، می تواند زمینه این اتحاد عمل را فراهم آورد. در شرایط کنونی، هیچ جریان و گرایش چپی نمی تواند ادعا کند که به تنهایی دارای چنان نفوذ و قدرتیست که می تواند بدون اتحاد با دیگران، به دخالتگری موثر و نتیجه بخش دست بزند. منافع کلی چپ، و نیازها

گزارش مبارزات دانشجویان در ۱۶ آذر امسال

نسبت به این اقدام سرکوبگرانه مواجه شدند، به عنوان نور پردازی برای جشن، چند پروژکتور به تانک اضافه کردند! وزارت ارشاد ممنوعیت سه روزه برای فعالیت خبرنگاران خارجی اعلام کرد که با ارسال پیامک به آنها اطلاع داده شد. یک روز پیش از 16 آذر، نیروهای امنیتی، حضور خود را در خیابان ها افزایش دادند. بخش اعظم ارتباطات اینترنتی با اختلالات جدی روبرو شد. شب قبل از 16 آذر پارچه های بزرگی در مقابل سردر دانشگاه تهران نصب شد. بر روی این پلاکاردها شعارهایی با مضمون تبریک عید غدیر نوشته شده بود. ابعاد این پارچه نوشته ها به گونه ای بود که سراسر سردر معروف به پنجاه تومانی را از دید عابران پنهان می کرد تا رهگذران نتوانند تجمع اعتراضی دانشجویان را شاهد باشند.

روز ۱۶ آذر

اولین 16 آذری که در بیرون از دانشگاه هم برگزار شد. مردم زیادی در اعتراضاتی که به این مناسبت در خیابان های اطراف دانشگاه ها برپا بود، شرکت داشتند. درگیری هایی در میدان های انقلاب، فردوسی، ولی عصر و خیابان های انقلاب، جمهوری و... گزارش شد.

رفتند از جمله کمیته انضباطی دانشگاه آزاد کرمان، از 26 دانشجوی این دانشگاه برای عدم شرکت در مراسم روز دانشجو تعهد گرفته است. همچنین تعدادی افرادی لباس شخصی با حضور در محوطه خوابگاه دانشجویان دانشگاه قم، سعی در ایجاد جو رعب و وحشت در بین دانشجویان کردند. همچنین تعداد زیادی از دانشجویان فعال، در روزهای قبل از 16 آذر بازداشت شدند، از جمله سعید لطفی، مسعود مهدوی فر و سیدمحمد حسینی. سید محمد حسن موسوی، نجمان رنجبران و سبحان حیدری نیز در شیراز دستگیر شدند. نیروهای بسیجی زیادی نیز برای ورود به دانشگاه ها و اجرای مراسم رسمی و دولتی سازماندهی شدند که کارت های مخصوص زرد رنگ اجازه ورود به دانشگاه ها به آنها داده شد. به شکل های دانشجویی، مجوز برگزاری مراسم داده نشد، اما به بسیج دانشجویی برخی از دانشگاه ها، مانند دانشگاه زنجان، این مجوز داده شد.

اقدامات جالب دیگری هم انجام شد. از جمله اطلاعات، حراست دانشگاه مازندران و بسیج دانشگاه برای مختل کردن برنامه دانشجویان، اعلام کردند که عصر دوشنبه 16 آذر یک جشن برگزار می کنند و یک تانک زرهی را وارد محوطه دانشگاه کردند! هنگامی که با اعتراض دانشجویان

روزهای قبل از ۱۶ آذر

دانشجویان، مردم و همچنین نیروهای نظامی و انتظامی از فردای 13 آبان به پیشواز 16 آذر رفتند و اقدامات زیادی انجام دادند. از جمله طی هفته قبل از 16 آذر، دانشجویان دانشگاه بوعلی سینای همدان با برگزاری تجمع های روزانه در قالب بحث آزاد به استقبال 16 آذر رفتند. این جلسات از روز یکشنبه هفته گذشته و در دانشکده های کشاورزی و فنی و مهندسی آغاز شد.

علی فضلی، فرمانده سپاه سیدالشهدای استان تهران نیز به ایرنا گفت: «زمزمه هایی در خصوص اغتشاشات و عواملی که در صدد آشوب در روز دانشجو در دانشگاه های کشور هستند، داریم اما پیش بینی اتفاق خاصی را در این روز نمی کنیم.» وی گفت که «قصد داریم در این روز به دانشجویان در دانشگاه های سراسر کشور، به خصوص استان تهران گل هدیه دهیم».

در تمام دانشگاه ها، ماموران حراست و اطلاعات و... با تهدید شدید و اعمال فشار روی فعالین دانشجویی دانشگاه ها و تهدید خانواده های آنها، قصد ممانعت از برگزاری برنامه 16 آذر توسط دانشجویان را داشتند. کمیته های انضباطی نیز با احضار دانشجویان و اخذ تعهد مبنی بر عدم شرکت در مراسم 16 آذر، به استقبال این روز

دانشگاه صنعتی شریف

بیش از هزار دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف از ساعات اولیه صبح در دانشگاه تجمع کرده و شعار دادند. بیش از صد نیروی گارد ویژه ضد شورش، به همراه تعدادی نیروهای انتظامی و حراست و انتظامات دانشگاه شریف در مقابل درب دانشگاه صف بسته بودند تا مانع از خارج شدن دانشجویان از دانشگاه شوند.

دانشگاه تهران

از صبح زود، دانشگاه تهران در محاصره نیروهای ضد شورش و سپاه مسلح به باتون و گاز اشک آور بود. نیروهای پلیس با کنترل کارت دانشجویی تمام افرادی که قصد ورود به دانشگاه تهران را داشتند، سعی می کردند مانع از ورود افراد غیردانشجو و پیوستن آنها به دانشجویان در داخل دانشگاه تهران شوند. خبرگزاری فارس، در گزارشی از «تجمع بزرگ دانشجویان دانشگاه تهران در محوطه دانشگاه» خبر داد و نوشت که بیش از دو هزار تن از دانشجویان دانشگاه تهران با شعارهایی در حمایت از آیت

الله خامنه ای و علیه مخالفان، در محوطه دانشگاه دست به راهپیمایی زده اند و در مقابل، «حدود پنجاه نفر از طرفداران موسوی ... برای ایجاد اغتشاش در دانشگاه به تکاپو افتاده اند».

دانشجویان دانشگاه تهران در حوالی ساعت 2 بعداز ظهر سعی کردند درب دانشگاه در خیابان 16 آذر را شکسته و وارد خیابان شوند که نیروهای گارد ویژه مانع از این کار شدند. دانشجویان امیرکبیر هم یکی از درهای دانشگاه را شکسته و به مردم داخل خیابان پیوستند.

دانشگاه آزاد سنندج

دانشجویان طی مراسمی در آمفی تئاتر دانشگاه، با ابراز تاسف از بازداشت و زندانی کردن فعالین دانشجویی، خواهان آزادی بی قید و شرط آنان شدند و از مادر یاسر گلی، که از ورودش به مراسم ممانعت شده بود، حمایت خود را ابراز

داشتند. دانشجویان در این مراسم با بلند کردن پلاکاردهایی که روی آنها نوشته شده بود: «زنده باد آزادی برابری- دانشگاه پادگان نیست- دانشجوی زندانی آزاد باید گردد- نه سبز نه سیاه آزادی برابری- کارگر دانشجو اتحاد اتحاد- تبعیض جنسیتی ملغی باید گردد» به اعتراض خود ادامه دادند. این مراسم، با دخالت نیروهای بسیجی و حراست دانشگاه به هم زده شد و از خواندن بیانیه ها و سخنان دانشجویان جلوگیری به عمل آمد. مراسم در میان اعتراض دانشجویان نسبت به برخورد بسیجیان و حراست دانشگاه، با

خواندن سرود یار دبستانی به پایان رسید.

سایر دانشگاه ها

دانشجویان تمام مراکز دانشگاهی در تهران مراسم 16 آذر را برگزار کردند، مانند مرکز آموزش سوره، دانشگاه هنر، پلی تکنیک، دانشگاه شهید بهشتی، خواجه نصیر، عباسپور، دانشگاه آزاد تهران جنوب، دانشگاه آزاد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد شهر ری، دانشگاه علم و فرهنگ و...

در شهرستان ها هم در این روز مراسم های متعددی در دانشگاه ها برگزار شد. از جمله:

دانشگاه آزاد تبریز، دانشگاه آزاد گرگان، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشگاه آزاد قزوین، آزاد کرج، تربیت معلم سبزوار، سیستان و بلوچستان، سمنان، دانشگاه رازی کرمانشاه، دانشگاه آزاد مشهد، دانشگاه آزاد اراک، دانشگاه بوعلی همدان، دانشگاه زنجان،

دانشگاه صنعتی شاهرود، دانشگاه آزاد نجف آباد و...

در تمام این دانشگاه ها این مراسم با درگیری و حمله نیروهای لباس شخصی و اطلاعاتی به دانشجویان و دستگیری آنان همراه بود. نیروهای نظامی علاوه بر وسایل همیشگی سرکوب، وسایل جدیدی برای سرکوب مردم در دست داشتند و از کابل های برق و نوارهای سربی هم به عنوان وسیله ای برای ضرب و شتم دانشجویان و مردم استفاده کردند. برخوردهای خشن تری هم مانند پرت کردن دانشجویان از طبقات ساختمان دانشگاه، در دانشگاه همدان رخ داد.

از تمام این مراسم ها و حرکات اعتراضی، صداوسیما تنها به انتشار ناشیانه اخبار و تصاویر یکطرفه از مراسم دانشگاه تهران پرداخت و شعار «حزب الله / ماشاءالله» از زبان این به اصطلاح دانشجویان در سیما پخش شد. این شعار حتی در جمع دانشجویان بسیجی نیز مرسوم نیست و شعار محوری حاج بخشی در سالهای قبل است.

دستگیری ۲۰۴ نفر از ۲۰۰ نفر!

ایلنا از قول ابراهیمی، نماینده مجلس و رییس مرکز رسیدگی به امور مساجد، گزارش کرد: در روز 13 آبان پیش از 1500 نفر نبودند و در 16 آذر نیز بیش از 200 نفر هم نشدند. اما خبرگزاری ایسنا از قول فرمانده انتظامی تهران بزرگ، از دستگیری 204 تن در جریان تجمعات روز 16 آذر خبر داد. سردار رجب زاده در رابطه با آمار دستگیری های پلیس اظهار کرد: ماموران پلیس در روز 16 آذر 165 مرد و 39 زن را دستگیر کردند که افراد دستگیر شده به مراجع قضایی معرفی و وضعیت آنها در دست بررسی قرار دارد. تعداد زیادی نیز در شهرستان ها دستگیر شده اند.

اسامی تعدادی از دستگیر شدگان به شرح زیر است:

مجید توکلی، احمد محمدنیا، فرهاد فرزند مهدی

کلاری و حامد ترک‌زاده، محسن زارع مهدی الله یاری، سهراب کریمی، هژیر کردنژاد، کامران آسا، ادیس صالحی، راضیه جعفری، نیلوفر اثباتی، ندا اسکندری، خدیجه قهرمانی، مونا شایان، آرمین رجب پور، مجتبی هاشمی، بردیا نجار، طاهر دهخوارقاریان، مهدی بلخاری، فرزاد کلبعلی،

طاهر دهخوارقاریان، احسان کچوی، علی صابر تهرانی، سید سجاد معافی مدنی، فراز مجیبی، محسن مریزاد، محمدرضا شیرمحمد، مرتضی باقری، سجاد ساده، نصیر اسدی، علی تسنینی، احسان حمیدی، محمدجعفر طهماسبی، سجاد مدنی، حسن جولانی، نوید سلطان پور، فرهاد

فرنود، دیاکو قصلانی و... مراسم 16 آذر از مرزهای ایران فراتر رفت. در اروپا، آمریکای شمالی و استرالیا، حرکت های دانشجویی جوانان معترض ایرانی و غیر ایرانی به نشان همبستگی با مبارزات مردم ایران روز 16 آذر برپا شد.

اعتراضات و تجمعات دانشجویی پس از ۱۶ آذر

از روز سه‌شنبه 17 آذر، تظاهرات و ناآرامی ها در دانشگاه های تهران و شهرستان ها ادامه یافت. جمعی از کارگران ایران خودرو، ضمن محکوم نمودن حمله نیروهای پلیس به شرکت کنندگان در تجمعات، خواهان آزادی فوری همه دستگیر شدگان روز دانشجو شدند.

یک روز پس از تجمع روز دانشجو در دانشگاه باهنر کرمان، این دانشگاه همزمان با حضور سفارهرندی مجدداً صحنه تظاهرات گسترده دانشجویان بود.

در دانشگاه بهشتی، چندین اتوبوس از بسیجیان و نیروهای لباس شخصی از بیرون دانشگاه برای برگزاری تجمع، به دانشگاه منتقل شدند. این نیروها با حرکت به سمت دانشکده حقوق، به تعطیلی کلاس ها و حمله به دانشجویان و ضرب و شتم آنها پرداختند.

همزمان با تجمع 17 آذر در دانشگاه تهران، نیروهای بسیج و سپاه که مجهز به باتوم، اسپری فلفل و گاز اشک آور بودند، به دانشجویان حمله کردند. انتظامات و حراست دانشگاه تهران، کاملاً با این نیروها هماهنگ بوده و با آنها همکاری می کردند. در مقابل مسجد دانشگاه، نیروهای بسیجی با چوب های پرچم ها، دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. در اواسط این درگیری ها نیروهای بسیج قصد حمله به دانشکده علوم دانشگاه تهران را داشتند که انتظامات دانشگاه تهران مانع از این کار شد. بنابر گفته یکی از دانشجویان دانشگاه تهران، انتظامات دانشگاه پس از مطلع شدن از قصد بسیج برای حمله به

دانشکده علوم، به نیروهای بسیج اعلام کرد که وزارت اطلاعات اعلام کرده است که قرار نبوده بسیجیان به دانشکده ها حمله کنند. به گزارش خبرگزاری دولتی ایران (ایرنا) نیز، از صبح روز سه‌شنبه 17 آذر، نیروهای نظامی و انتظامی اطراف دانشگاه تهران به چشم می خوردند. ایرنا که دانشجویان معترض را «اغتشاش گران» نامید، گزارش داد که آنان در محوطه اصلی دانشگاه تهران تجمع کردند و به همین دلیل، مسئولان انتظامی درهای اصلی ورودی دانشگاه را بسته اند.

شورای اساتید پردیس دانشکده های فنی دانشگاه تهران به مناسبت وقایع 16 و 17 آذر در دانشگاه ها، بیانیه ای صادر کرد. در این بیانیه آمده است: «در هر دو روز جمع کثیری که دانشجو یا کارمند دانشگاه تهران نبودند، با عبور از درهای تحت مراقبت انتظامات وارد صحن دانشگاه شدند و مقابل ساختمان اصلی پردیس دانشکده های فنی تجمع کردند. پیامد هجوم این عده در دو روز متوالی به داخل ساختمان پردیس فنی، ضرب و شتم دانشجویان، ارعاب و اذیت کارکنان و اساتید با پرتاب گاز اشک آور و آفریدن فضای آکنده از تشنج و رعب و وحشت بود» «برخورد با دانشجویان و بازداشت تعدادی از ایشان در محوطه پردیس دانشگاه در شرایط فعلی را عملی نامناسب و تنش زا می دانیم و خواستار جلوگیری از این گونه برخوردها در آینده و آزادی دانشجویان بازداشتی هستیم» «از مدیریت دانشگاه خواستاریم به هر نحو مقتضی از

مداخلات عوامل غیرمسئول خارج از دانشگاه، در محدوده آن جلوگیری نمایند» «شورای پردیس دانشکده های فنی ضمن سلب مسئولیت از عواقب بروز این وقایع اسفبار، خواهان حفظ نظم و حرمت دانشگاه و رعایت مقررات و تامین امنیت دانشگاهیان می باشد»

هیات رئیسه دانشگاه تهران با صدور اطلاعیه یی اعلام کرد هرگونه تجمع و راهپیمایی در روز چهارشنبه 18 آذر غیرقانونی بوده و با آن برخورد می شود. با این حال بنا بر گزارش ها، دانشگاه تهران، چهارشنبه نیز کماکان صحنه تجمعات دانشجویی بود.

بیش از 500 نفر از دانشجویان دانشگاه زاهدان، در اعتراض به پایین بودن کیفیت غذای دانشجویان، به صورت خودجوش اعتراض کرده و ظرف های غذا را دور تا دور سالن غذاخوری این دانشگاه، روی زمین چیدند.

چهارشنبه 18 آذر، دانشجویان دانشگاه شریف اقدام به راهپیمایی و برگزاری تجمع کردند. علت این راهپیمایی، دستگیری بیش از 7 نفر از دانشجویان شریف و دانشگاه های دیگر از جمله دانشگاه تهران، در روزهای 16 و 17 آذرماه، عنوان شده است. دانشجویان به راهپیمایی در داخل دانشگاه و سردادن شعار پرداختند و در برابر درب اصلی دانشگاه تجمع کردند.

دانشجویان دانشگاه علم و صنعت تهران در بیانیه ای اعلام نمودند در اعتراض به سرکوب و برخورد با فعالین دانشجویی، از روز یکشنبه 22 آذر کلاس های درس را تحریم خواهند نمود.

شش روز از اعتراض های دانشجویی 16 آذر در دانشگاه های مختلف، و به رغم هشدار مقام های انتظامی و قضایی در مورد برخورد با معترضان، مراکز آموزش عالی همچنان صحنه اعتراض های دانشجویی بود.

این اعتراض ها در حالی در دانشگاه های تهران، الزهراء، خواجه نصیر، دانشگاه کاشان، تربیت معلم سبزواری و سهند تبریز ادامه یافت که رسانه های دولتی با پخش ویدئویی که پاره کردن عکس بنیان گذار جمهوری اسلامی را نمایش می دهد، انگشت اتهام را به سوی دانشجویان معترض برده اند.

یکشنبه، دانشجویان دانشکده مکانیک خواجه نصیر در اعتراض به ادامه بازداشتها و بالاخص بازداشت جاوید حاج همتی دانشجوی دانشکده مکانیک این دانشگاه اعتصاب غذا کرده و تجمع اعتراضی برپا کردند. دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر همچنین نسبت به سوء استفاده حامیان دولت و ایجاد سناریوی جدید برای سرکوب مردم، اعتراض کرده و اعلام کردند جای بسی تعجب است که کسانی که پس از انتخابات ده ها انسان را به خاک و خون کشیده و در زندان ها تجاوزها کردند، اکنون پاره شدن عکس آیت الله خمینی را بهانه ای برای سرکوب مجدد مردم قرار داده اند.

یک هفته پس از برگزاری باشکوه مراسم 16 آذر در دانشگاه پلی تکنیک، بار دیگر این دانشگاه صحنه اعتراض دانشجویان به دولت و حامیان آن بود. دانشجویان چند دانشکده پلی تکنیک، کلاس های درس صبح را در اعتراض به بازداشت مجید توکلی، ممنوع الورد شدن بیش از 100 دانشجو به دانشگاه، احضار بیش از 40 دانشجو به کمیته انضباطی، ورود نیروهای امنیتی و لباس شخصی به دانشگاه در روز 16 آذر و ضرب و شتم دانشجویان و تخریب اموال دانشگاه تعطیل کردند. دانشجویان دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل در حمایت از دانشجویان محروم از تحصیل این دانشگاه اعتصاب غذا و تجمع اعتراضی برگزار کردند.

روز دوشنبه 23 آذر ماه، بیش از 150 نفر از خانواده بازداشت شدگان، که اکثرا خانواده دانشجویان بازداشت شده مراسم 16 آذر بودند، به منظور روشن شدن وضعیت عزیزان شان، در مقابل دادگاه انقلاب تجمع اعتراضی بر پا کردند.

دانشجویان دانشگاه صنعتی شیراز، یک هفته پس از 16 آذر، روز دانشجو را گرامی داشتند. دانشجویان در حالی که تنها پلاکارد در دست داشتند و دهان بندهایی بر دهان بسته بودند، در اعتراض به هتک حرمت های چند ماهه اخیر به

ساحت مقدس دانشگاه و یورش نیروهای امنیتی و لباس شخصی به حریم علم و معرفت و ضرب و شتم و بازداشت گسترده دانشجویان، 30 دقیقه تجمع سکوت برگزار کردند.

دانشجویان دانشگاه علم و صنعت سه شنبه 24 آذر، در پی بازداشت کامران آسا برادر شهید کیانوش آسا، تجمعی اعتراض آمیز برگزار کردند.

کمیته انضباطی دانشگاه سیستان و بلوچستان، اقدام به پخش اطلاعیه ای تهدید آمیز در سطح دانشگاه نمود. در این اطلاعیه با لحن تهدید آمیزی اعلام شده است که با هرگونه تجمع «غیرقانونی» ممکن است با حکم 4 ترم محرومیت از تحصیل برخورد شود. این اقدام کمیته انضباطی در حالی صورت گرفت که در چند روز قبل از آن، دانشجویان چندین بار دست به تجمع و اعتصاب غذا زده اند.

در صحن دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نیز، تحصنی در اعتراض به حوادث 16 و 17 آذر و عملکرد فرهاد رهبر، رییس دانشگاه، درمورد این

وقایع برگزار شد.

24 آذر ماه در پی توهین ریاست دانشگاه گیلان به اساتید و دانشجویان حقوق دانشگاه و ابراز تردید وی به اعتبار علمی اساتید، جمعی از دانشجویان دانشکده حقوق این دانشگاه، کلاس های درس را تعطیل کرده و در دانشکده انسانی دست به تحصن آرام زدند.

25 آذرماه، دانشجویان دانشگاه هنر تهران در اعتراض به احکام کمیته انضباطی دانشگاه، پس از لغو کلاس ها در حیاط دانشگاه، تحصن اعتراضی برگزار کردند. بنابر اعلام این دانشجویان، این تحصن تا لغو احکام کمیته انضباطی ادامه خواهد داشت.

علی رغم تلاش نیروهای بسیج برای پر کردن سالن سخنرانی صفارهرندی، دانشجویان بوعلی همدان توانستند در سالن حضور یافته و با در دست گرفتن پلاکاردهایی، اعتراض خود را نسبت به هرندی نشان دهند. دانشجویان دانشگاه همدان تلاش کردند عکس هایی از آیت الله خمینی و میرحسین موسوی را در دست بگیرند که دانشجویان منتسب به بسیج و جامعه اسلامی مانع از این کار شده و عکس ها را پاره کردند. این دانشجویان حامی دولت، در حالی عکس های آیت الله خمینی و موسوی را پاره کردند که طی روزهای قبل از آن، نیروهای دولتی به بهانه «پاره شدن عکس امام» حملات گسترده ای را بر علیه دانشجویان به راه انداختند. از نکات قابل توجه این مراسم، همکاری نیروهای حراست دانشگاه با نیروهای بسیج بود. نیروهای حراست دانشگاه در چندین مورد با دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان درگیر شدند. دانشجویان همدان که تجربه اتفاقات اخیر و حملات افراد لباس شخصی به داخل دانشگاه را داشتند، به حراست دانشگاه اعتماد نکرده و خود چک کردن کارت های دانشجویی افراد ورودی را بر عهده گرفتند.

بنا به خبرهای دریافتی، دانشگاه تهران برای تامین نیروی انسانی کادر انتظامات خود، تعداد 25 نفر از افراد واجد شرایط، به صورت عقد قرارداد کار معین، دعوت به همکاری نموده است.

قربانی کار این بار در ایران خودرو

بند انگشت قطع و بقیه انگشتانش، به گفته پزشکان له و متلاشی شده و شاید برای همیشه غیر قابل استفاده باشد! بنا به خبر تاکنون هزینه های پزشکی با قرض و بدهکاری توسط خود حسین و خانواده اش پرداخت شده و هم اکنون در مرخصی استعلاجی به سر می برد. بنا به اخباری نیاکان و همدستانش تلویحا گفته اند او دیگر به درد کار نمی خورد!

جانب نیاکان، مدیر ایتکو پرس و دیگر عوامل کارفرما، اقدامی برای رساندن فوری حسین به مراکز درمانی صورت نگرفت. این مفتخوران با خونسردی و بی تفاوتی مدعی بودند که این همه حوادث کار، علتش بی دقتی و عدم رعایت نکات ایمنی در حین کار توسط کارگران است! بالاخره چند نفر از کارگران حسین را به درمانگاهی در کرج رساندند. متأسفانه یکی از انگشتان حسین از

بنا به خبر دریافتی، حسین اناری یکی از کارگران پرس کار ایتکو پرس ایران خودرو، هفته پیش در حالیکه مشغول کار با دستگاه پرس دستی بود، ناگهان دستگاه پرس فرود آمد و همان لحظه یکی از انگشتان حسین قطع و دیگر انگشتانش متلاشی شد. خونریزی شدید، دستگاه پرس و اطراف را فرا گرفته بود. کارگران با اندوه دست از کار کشیده و شاهد این صحنه دردناک بودند اما از

منصور اسانلو

از شرکت واحد اخراج شد

منصور اسانلو، رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران، با رای دیوان عدالت اداری از کار اخراج شد. منصور اسانلو کارمند شهرداری تهران بود که در سالهای گذشته به دلیل فعالیت در سندیکای کارگران شرکت واحد، به یک چهره صنفی تبدیل شده بود. کارگران فرسخ و مه نخ باز هم تجمع کردند جمعی از کارگران کارخانه فرسخ و مه نخ قزوین پیش از ظهر شنبه، 28 آذرماه، یکی از مسیرهای اطراف محل کار خود را برای مدتی مسدود کردند. این اقدام در اعتراض به دو ماه و نیم مطالبات معوقه و نبود مواد اولیه کارخانه صورت گرفته است. حداقل نیمی از جمعیت 700 نفری کارگران فرسخ و مه نخ در این تجمع حضور داشتند. کارگرانی که تجمع کرده بودند، پس از نیم ساعت به دنبال پا درمبانی برخی مسوولان به تجمع خود پایان دادند.

احضار یک فعال کارگری

به اداره اطلاعات اشنویه

صمد احمد پور، فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، روز دو شنبه مورخ 24/9/88 به اداره اطلاعات اشنویه فراخوانده شد. وی پس از یک ساعت بازجویی آزاد شد.

تجمع کارگران فولاد آلیاژ ملایر

در مقابل فرمانداری

و بانک تجارت این شهرستان

صبح روز شنبه 28 آذر ماه، 150 نفر از کارگران شهرک صنعتی فولاد و مجتمع فولاد آلیاژی ملایر، در اعتراض به عدم همکاری بانک تجارت این شهرستان در پرداخت بدهی شرکت، مقابل فرمانداری و بانک تجارت ملایر تجمع کردند. 450 کارگر در شهرک صنعتی فولاد و مجتمع فولاد آلیاژی ملایر، مشغول به کار هستند.

هزار کارگر شهرداری کرج

اخراج شدند

شهرداری کرج حکم اخراج هزار کارگر را صادر کرده است. سرمایه داران دولتی شهرداری می گویند که بودجه لازم برای پرداخت دستمزد کارگران را ندارند و به همین دلیل دست به اخراج وسیع توده های کارگر می زنند. شهرداری کرج این حکم را در مورد همه نیروی کار فعلا شاغل و اخراج نشده خود، اجرا کرده و به این ترتیب، در کنار اخراج هزار کارگر بقیه را نیز به این سرنوشت شوم دچار ساخته است.

اعتصاب کارگران صنایع چرم

در عراق

اعتصاب کارگران صنایع چرم در مقر شرکت، ظفرانیه و کوفه، وارد ششمین هفته شده است. کارگران مصمم هستند و سازمان دهندگان پابرجا ایستاده اند. روز یکشنبه 21 نوامبر، سی و ششمین روز اعتصاب، شاهد بودیم که مدیریت قبول کرد دستمزدهای معوقه کارگران را پرداخت و جزئیات حقوق و حسابداری را برملا کند. اما کارگران اصرار به ادامه اعتصاب تا زمان دریافت نقدی دستمزدها کردند.

چهار قربانی کار

در معدن هجتک کرمان

چهار نفر از کارگران معدن 500 نفری هجتک از معادن زغال سنگ کرمان، شب 17 آذر در اثر گازگرفتگی ناشی از عدم رعایت اصول ایمنی معدن هجتک راور کرمان، جان خود را از دست دادند. این حادثه در حالی اتفاق می افتد که هفته قبل نیز در معدن پابدانا، که نزدیک به هزار نفر کارگر در واحدهای مختلف آن مشغول به کارند، دو نفر از کارگران کشته و مجروح شدند.

احضار محسن حکیمی به دادگاه

علت این احضار نوشته شده است «درخصوص شکایت علیه شما در وقت مقرر فوق برای رسیدگی در این شعبه حاضر شوید».

بر اساس احضاریه ای که روز 22 آذر 88 به دست محسن حکیمی رسیده است، او باید در تاریخ 16/10/88 در شعبه سیزدهم دادگاه انقلاب اسلامی تهران حضور یابد. در قسمت مربوط به

نظافتچیان در گردش چرخ جامعه بیش از بانکداران سهامی اند

تعیین حقوقشان با خودشان است و در خیلی از مواقع، در این دست مشاغل، مقوله عرضه و تقاضا در نظر گرفته نمی شود.»

اما بنیاد اقتصادهای جدید در بریتانیا می گوید قصد نداشته است علیه مشاغل پر درآمد گزارش تهیه کند یا خواستار افزایش حقوق شاغلان کم درآمد باشد. خانم لولور می گوید: «نکته ای که ما بر آن تاکید داریم، اساسی تر است. ما می گوئیم میان حقوق افراد و ارزش کار ما برای جامعه، ارتباطی وجود داشته باشد. ما روشی برای اندازه گیری این موضوع پیدا کرده ایم»

شود. ولی در ازای هر یک پوندی که یک بانکدار دریافت می کند، هفت پوند به اقتصاد جامعه ضرر وارد می شود.

اما آیا تفاوت در دستمزدها، همان حقوق کمتر در ازای مهارت کمتر نیست؟

آیلش لولور، یکی از تدوین کنندگان گزارش می گوید: «لازمه مشاغلی مانند معلم مهد کودک، که از جمله مشاغلی بوده است که ما تحت مطالعه داشته ایم، مهارت های پیچیده است، اما آنها حقوق پایینی می گیرند. در آن سوی جدول پرداخت ها، مدیران ارشد اجرایی را داریم که

موسسه تحقیقاتی «بنیاد اقتصادهای جدید» در بریتانیا، سطح پرداختی شاغلان را نسبت به سهامی که کار آنها در حرکت چرخ جامعه بریتانیا دارد، اندازه گیری کرده و به این نتیجه رسیده است که درآمد افراد، لزوما منعکس کننده ارزش آنها برای جامعه نیست.

در این مطالعه، مثلا هزینه کنیف بودن بیمارستان ها برای سلامت مردم در نظر گرفته شده است و بنا به روش محاسباتی جدید به کار گرفته شده، در ازای هر یک پوندی که نظافتچی بیمارستان دریافت می کند، برای جامعه 10 پوند تولید می

تجمع کارگران شرکت آوانگان

کارگران شرکت آوانگان در ششمین ماه از عدم پرداخت حقوق و مطالبات معوقه از سوی مدیریت شرکت، برای چهارمین بار در ماه جاری اعتراض خود را به گوش مسئولان استان رساندند.

کارگران این شرکت از صبح روز 23 آذرماه، برای چهارمین بار در ماه جاری با تجمع در مقابل ورودی شرکت و سپس اجتماع در مقابل فرمانداری اراک، خواهان دریافت مطالبات معوقه، عیدی و پاداش سال گذشته و 6 ماه حقوق عقب مانده سال جاری، از سوی مسئولان و مدیریت جدید شرکت شدند.

آزادی دو فعال کارگری سنندج

دوشنبه برابر با شانزدهم آذر ماه سال 88 پدرام نصرالهی فعال جنبش کارگری و جنبش زنان، با قرار وثیقه 30 میلیون تومانی از زندان آزاد شد. قابل ذکر است که پدرام نصرالهی روز پنجشنبه 21 آبانماه 88، ساعت 5:40 دقیقه در حین بر گشت از محل کار، در خیابان فردوسی شهر سنندج، توسط نیروهای امنیتی دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار گرفت و سپس روانه قرنطینه زندان شد. روز سه شنبه 10/9/88 نیز، فرزند احمدی فعال کارگری و کارگر خیاط، با قرار وثیقه 30 میلیون تومانی از زندان سنندج آزاد شده بود

۶۷ درصد نیروهای شاغل ایران

در قالب قراردادهای موقت به کار اشتغال دارند

قراردادهای دائم مشغول به کار هستند را، کارکنانی تشکیل می دهند که حداقل بیش از 10 سال سابقه کار دارند و پیش از متداول شدن قراردادهای موقت و پیمانی استخدام شده اند. بیشتر شاغلان در بخش خدمات، به ویژه خدمات شهری و صنوف کوچک، در قالب قراردادهای یک روز تا نهایت یک ماه، مشغول به کار هستند و در مقابل، قرارداد شاغلان در واحدهای بزرگ صنعتی، از یک تا سه ماه متغیر است. قراردادکار بیشتر کسانی که در بخش دولتی مشغول به کار هستند، از نوع پیمانی و با مدت 3 ماه تا یک سال است.

حسن صادقی، رئیس پیشین کانون عالی شوراهای اسلامی کار، که یک تشکل مورد تایید حکومت است، گفت: در حال حاضر از مجموع کل نیروهای شاغل کشور، 67 درصد در قالب قراردادهای موقت و تنها 33 درصد در قالب قراردادهای دائم مشغول به کار هستند. از مجموع شاغلان قراردادی، حدود 30 درصد با قراردادهای پیمانی 3 ماه تا یک ساله، 22 درصد با قرارداد های موقت یک تا سه ماه و 15 درصد باقیمانده نیز با قراردادهای روزمزد یک تا 29 روزه مشغول به کار هستند. 33 درصد باقیمانده ای که در قالب

تظاهرات اعتراضی کارگران کنف کار گیلان

سه تن از کارگران سرگردان و گرسنه و بیکار، زیر فشار درد و رنج و مصائب غیر قابل تحمل دامنگیر خانواده خویش، دست به خودکشی زده و مرگ را به عنوان تنها راه نجات از این وضعیت انتخاب کرده اند. کارگران این کارخانه، روز 23 آذر هم یک بار دیگر تظاهرات اعتراضی خود را تکرار کردند.

5 سال از تاریخ سرگردانی، آوارگی و گرسنگی مرگبار توده های کارگر کنف کار استان گیلان می گذرد. در طول این 5 سال هر روز وضع کارگران، از روز پیش بدتر و دردناک تر و کشنده تر شده است. شمار زیادی از آنان در همه این مدت بیکار مانده اند و به رغم تلاش بسیار برای یافتن کار، در هیچ کجا موفق به یافتن هیچ کاری نشده اند. گزارش ها حاکی است که در این 5 سال، حداقل

افزایش ۲۸ درصدی ازدواج موقت در تهران نسبت به سال گذشته

و نبود سرپرست خانواده را از علل افزایش ازدواج های موقت می داند.

داوودی همچنین طفره رفتن از پرداخت نفقه و شروط عقد دائم را از دیگر دلایل افزایش ازدواج موقت ذکر کرده و می افزاید: علل افزایش ازدواج موقت باید مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد چرا که بسیاری از کارشناسان معتقدند این گونه ازدواج ها آسیب های اجتماعی به دنبال دارد.

علرغم هشدارهای متخصصان و مخالفت فعالان جنبش زنان، ماده ی ۲۲ لایحه حمایت از خانواده که مربوط به ازدواج موقت است با اکثریت آرا به تصویب رسید.

دارنده بالاترین و پایین ترین آمار ازدواج موقت در کشور یاد کرد.

با توجه به اینکه ازدواج موقت با عرف جامعه ما همخوانی ندارد و ثبت آن در شناسنامه می تواند برای مردان محدودیت هایی در پی داشته باشد، در اغلب موارد چنین ازدواج هایی به ثبت رسمی نمی رسند. در حال حاضر بسیاری از دفاتر به صورت غیر رسمی با هزینه ای اندک ازدواج موقت را در برگه هایی خاص درج می کنند و مدارک خاصی نیز برای این امر نیاز نیست و این عوامل باعث شده تا مردان دیگر تمایلی برای ثبت رسمی این ازدواج ها نداشته باشند.

معاون مجتمع قضائی خانواده، مشکلات اقتصادی

آمار ازدواج موقت در تهران و دیگر شهرهای کشور به شدت افزایش یافته است.

یک مقام آگاه در سازمان ثبت احوال می گوید: در ۱۲ ماه گذشته، ازدواج موقت در استان تهران حدود ۲۸ درصد بیشتر از دوره مشابه قبل به ثبت رسیده است اما با توجه به آن که بخش مهمی از این نوع ازدواج، در دفاتر رسمی ثبت نمی شود، دسترسی به تغییرات واقعی ازدواج موقت، کار دشواری است. این در حالی است که ازدواج موقت ثبت نشده، ممکن است پیامدهای حقوقی نامطلوبی در پی داشته باشد. این پیامدها به ویژه در صورت تولد فرزند، شدیدتر می شود. این مقام آگاه همچنین از استان های قم و یزد به عنوان

مادران داغدار و عزادار

شنبه ۱۴ آذر در پارک لاله بازداشت و دوشنبه ۱۶ آذر آزاد شدند

و منتظر آزادی سایر بازداشتی ها بودند. هنگامی که آخرین نفر آزاد شد، به خانه های خود باز گشتند. استقبال کنندگان از مادران با شعارهای «درود بر مادر دلاور» استقبال کردند.

جالب اینکه این بار جوانان، پیگیر آزادی مادران خود بودند. اخبار ضد و نقیض از داخل بازداشتگاه، آنها را نگران کرده بود، ولی مادران با روحیه بسیار عالی، وقتی آزاد می شدند، همراه فرزندان و همسران خود، محل را ترک نمی کردند.

روز دوشنبه در حالی که خانواده ها و سایر مادران همراه در پارک لاله، مقابل بازداشتگاه وزرا از ساعت ۸ صبح تجمع کرده بودند و خواهان آزادی مادران زندانی بودند، مادران بازداشت شده، از ساعت ۳ بعدازظهر در چند نوبت آزاد شدند.

دادگاه منیره ربیعی

۲۹ آذرماه برگزار خواهد شد

دادگاه رسیدگی به اتهامات منیره ربیعی، که در تاریخ ۱۵ مهرماه حسب احضاریه ای که از سوی دادگاه انقلاب برای وی ارسال شده بود، به دادگاه مراجعه کرده و به دلایلی نامعلوم بازداشت شده بود، روز ۲۹ آذرماه در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب برگزار خواهد شد.

این در حالی است که قاضی پیرعباسی رئیس شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب، اظهار امیدواری کرده است که پس از تشکیل جلسه محاکمه، با تبدیل قرار بازداشت به وثیقه، شرایط آزادی او را مهیا کند.

مقطع کارشناسی ارشد، گرایش مطالعات زنان، موفق به ورود به دانشگاه نشد. سمیه رشیدی در تاریخ ۱۳ آبان ۸۸ به همراه راحله عسگری زاده دستگیر و مدت ۲ روز بازداشت بود.

تفتیش منزل سمیه رشیدی و احضار وی به دادگاه

تعدادی از ماموران با در دست داشتن حکم تفتیش و احضاریه کتبی به منزل سمیه رشیدی مراجعه و بخشی از لوازم شخصی، کتاب ها و کامپیوتر او را با خود بردند. وی از دانشجویان ستاره دار سال تحصیلی ۸۸-۸۹ است که علی رغم قبولی در

صدور حکم سه سال حبس تعزیری

برای عذرا سادات قاضی میرسعید از بازداشت شدگان ۳۰ خرداد

جسمی و روحی قرار گرفت، علی رغم وعده داده شده از سوی قاضی صلواتی رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب مبنی بر صدور حکم براءت، به ۳ سال حبس تعزیری محکوم شد.

عذرا سادات قاضی میرسعید که در تاریخ ۳۰ خردادماه در حوالی میدان انقلاب بازداشت شد و پس از انتقال به بند ۲- الف زندان اوین جهت اعترافات دروغین به شدت تحت فشارهای

تظاهرات هزاران نفر همزمان با برگزاری کنفرانس تغییرات آب و هوایی

دهها هزار نفر از سراسر جهان، در خیابان های کپنهاگ در مقابل محل توافق جهانی که بر معاهده جدید تغییرات آب و هوایی صورت گرفت، دست به تظاهرات زدند. یکی از مقامات پلیس، شمار تظاهر کنندگان را 25000 نفر برآورد کرده، اما سازمان های مرتبط،

تظاهر کنندگان را بیش از 100 هزار نفر تخمین زده اند که در مرکز کپنهاگ، پلاکاردهایی با مضامینی چون «طبیعت را به خطر نیندازید» و «عدالت آب و هوایی» در دست داشتند. تظاهرات روز شنبه، به کپنهاگ محدود نبود و در سراسر جهان، از اندونزی و استرالیا گرفته تا ژاپن و حتی چین،

صورت گرفت.

بیل مک کین از سازمان دهندگان تظاهرات جهانی گفت: ما علم را نمی توانیم تغییر بدهیم، باید سیاست را تغییر بدهیم و اگر سیاست تغییر نکند، باید سیاستمداران را تغییر بدهیم.

فاجعه زیست محیطی در آذربایجان

مطابق خبرهای دریافتی، بر اثر شکسته شدن سد نگهداری از پساب های صنعتی معدن طلای زره شوران تیکان تپه (تکاب) صدها متر مکعب آب آلوده به سیانور و جیوه، به رود ساوروق تیکان تپه وارد شد و سلامت زیست محیطی شهرهای تیکان

تپه، سایین قالا، قوشاچای و تبریز بصورت جدی در معرض بحران قرار گرفت. لازم به ذکر است که آب شرب شهر تکاب، از ساوروق تامین می شود. همچنین ساوروق یکی از سرچشمه های اصلی رودخانه زرینه رود

میاندواب محسوب می شود که آب شرب تبریز نیز، از این محل تامین می شود. شدت فاجعه به حدی بود که در روز حادثه، تمامی مسئولان اداری شهر و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی شهرستان را به محل مزبور کشانید.

دو مرگ مشکوک به قتل:

قتل امیر اسلامیان فعال دانشجویی دانشگاه یاسوج

یک هفته از قتل مشکوک امیر اسلامیان دانشجوی کرد دانشگاه یاسوج و عضو ستاد انتخاباتی مهدی کروی در همدان می گذرد، اما هنوز از انگیزه قتل او خبری در دست نیست. خبر کشته شدن این جوان دانشجو را برای اولین بار سایت جرس منتشر کرد. به گزارش جرس، اسلامیان که از دانشجویان دانشگاه دولتی یاسوج بوده، از طرف مسئولان این دانشگاه به دلیل شرکت در فعالیت های صنفی و سیاسی، همواره مورد فشار و احضار به کمیته انضباطی قرار می گرفت.

برخی از مسوولان آن دوره مورد برخورد شدید و نامناسب قرار گرفت و توسط کمیته انضباطی دانشگاه یاسوج، ابتدا به دو ترم محرومیت از تحصیل، محکوم و در نهایت به دانشگاه همدان تبعید شد. اسلامیان بعد از این اقدام برای ادامه تحصیل به دانشگاه همدان رفت و در آنجا نیز بعد از یک ترم تحصیل، به دلیل گزارش دانشگاه یاسوج، پذیرفته نشد و دوباره به دانشگاه یاسوج برگشت که در تابستان 87 از آنجا به صورت قطعی اخراج شد. جسد این جوان چند روز پیش در حوالی روستای محل سکونت خود روستای «چراخ وال» واقع در شهرستان بوکان پیدا شد. گفتنی است از قاتل احتمالی وی تا کنون هیچ گونه ردی پیدا نشده است.

امیر اسلامیان در ترم بهمن 86 بخاطر برگزاری همایش بزرگداشت شهدای واقعه حلبچه، از جانب مسئولان دانشگاه به دلیل نوع صحبت ها و افشاگری هایش پیرامون نحوه کشتار مردم، توسط

مرگ مدیرعامل شرکت «برنده مزایده مخابرات» و همسرش

سلیمانی پور مدیرعامل و عضو هیات مدیره شرکت توسعه اعتماد مبین، خریدار و مالک بلوک

مدیریتی سهام شرکت مخابرات ایران و همسرش، بر اثر گاز گرفتگی فوت شدند. آیا می توان برای این مرگ ها معنایی یافت؟

انتشار شماره های جدید

نشریات اینترنتی خیابان و بدر

* شماره 57 نشریه خیابان، 17 آذر منتشر شد. ایمیل نشریه: khyaboon@gmail.com

* شماره 43 نشریه دانشجویی بدر منتشر شد. ایمیل نشریه: bazr1384@gmail.com

اخبار این شماره جهان نوین

از منابع زیر تهیه شده است:

خبرنامه امیر کبیر / مدرسه فمینیستی / بالاترین / اخبار روز / تغییر برای برابری / روشنگری / آفتاب یزد / تابناک / وبلاگ خودروکار / وبلاگ میلیتانت / وبلاگ کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری / فارس / ایلنا / شبکه همبستگی کارگری / بی بی سی فارسی / اعتماد / ایرنا / خبرنامه آزادی برابری / هرانا / وبلاگ آرمان مشترک / مجموعه فعالان حقوق بشر / مهر / کمیته گزارشگران حقوق بشر

گزارش گمان شکن

رکود گذشته و مبارزه آینده در دانشگاه آزاد

کازم خراسانی
مطلب زیر در مورد اوضاع یکی از دانشکده های دانشگاه آزاد اسلامی، واقع در منطقه مرفه شهر است و به این امید مطرح می گردد که تغییرات این دانشگاه را در ارتباط با جنبش مردمی روشن کند و آغازی باشد برای تعمیق شناخت رفقای دانشجو از فضای دانشگاه آزاد اسلامی.

دوران رکود، رخوت و سکوت

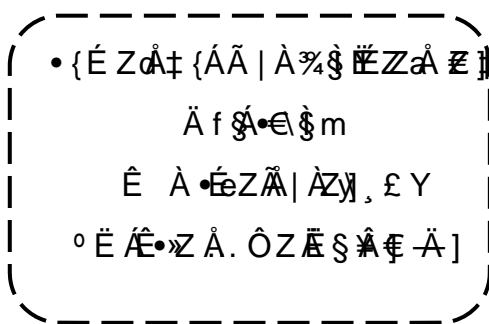
در دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی واحد تهران شمال، همواره سکون و سکوت بر فضای دانشکده حاکم بوده و سیاهی بر همه جا حکمفرما. در اینجا هر لحظه که می گذرد، نه یک گام که صد گام، به سوی تلاشی و مرگ نزدیک می شوید. گویی که گرد مرگ پاشیده باشند، هیچ حرکتی دیده نمی شود. با سرهای پایین افکنده و دست های در جیب فرو رفته، اغلب با خنده های مصنوعی، به طرف بوفه یا کلاس ها می رویم. اغلب هم به جای کلاس های درس، روی نیمکت ها می نشینیم و دقایقی و یا چند ساعتی بدون حرکت، مثل مجسمه، توی صفحه موبایل غرق می شویم. هرکسی را که می بینی، سرش به کار خودش است و تکانی نمی خورد. گاهی بر اثر امواج سهمگین جامعه، به این قایق های شکسته و از ساحل دور مانده، تکان کوچکی وارد می شود. عمده دانشجویان، به چند دسته زیر تقسیم می شوند:

1- کارمندان سازمان ها و ادارات دولتی که برای اخذ مدرک و کسب پایه حقوق بالاتر به دانشگاه آمده اند.

2- دانشجویان جوان و اندکی مشتاق، که بعد از ورود به دانشگاه، ذوقشان کور شده و فقط به دنبال پایان یافتن دوره دانشجویی هستند. باید این را هم اضافه کرد که این دانشکده، یکی از بهترین واحدهای دانشگاه آزاد محسوب می شود!

3- بخشی از دانشجویان، دانشگاه را به عنوان موقعیتی برای گذران وقت خود می دانند و شهریه سنگین ترم های متوالی، برای شان هیچ اهمیتی ندارد. دور باطلی که چند سالی از عمر را می کاهد و مشروطی هم راه فراری است برای ادامه این سیکل. محیط دانشکده، بهترین موقعیت را برای تفریح و تفرج این قبیل دانشجویان فراهم می کند. هر آنچه را که هیچ کجا نمی بینی، اینجا وجود دارد، از شیر مرغ تا جان آدمیزاد. هرکس از دور و بدون آشنایی با محیط و اوضاع، به دانشکده مراجعه می کند، با صحنه ای وصف ناپذیر از رنگارنگی ماشین ها، لباسها، رفتارها و حرکات مواجه می شود. گویی کارناوالی به راه افتاده و یا نمایشگاهی از وسایل شیک و گران قیمت افتتاح شده است.

4- تعدادی از دانشجویان هم هستند که تیپ شخصیتی و اجتماعی آنان، نمودار و معرف طبقه اجتماعی است که در آن متولد شده، رشد یافته و زندگی می کنند، آن طبقه ای که انگل وار به بدن میزبان خود چسبیده و خون او را تا آخرین



قطراتش می مکد. کسانی که بویی از انسانیت و شرافت، به عنوان مفهومی حقیقی نبرده اند و هیچ یک، واقعیات عینی پیش روی خود را نمی بینند. یکی از آنها، هر روز که با یک مدل ماشین و یک مد لباس به دانشکده می آید، دوستانش به گرد او حلقه می زنند! ... «تازه چی آوردی؟» هرچه را که آورده، بین آنها تقسیم می کند. بیشتر از شش سال است که در اینجا، در رشته حسابداری تحصیل می کند! و تمام دوستانش از همپالکی های خودش هستند. داشتیم می گفتم... مرگ و مرض را بین آنها پخش می کند. بیشتر بین کسانی که خود، آنها را انگل و چسب می نامید.

برای این دسته موجودات حقیر، دیگران به مثابه حیوانات آزمایشگاهی هستند که اجازه هر کثافت کاری را روی آنها دارند. از آزمایش انواع مواد مخدر جدید و خرید و فروش (معامله) انسان گرفته تا به تمسخر گرفتن ساختار دانشگاه. خانه های اجاره ای آنها در اطراف دانشکده، مکان بسیار خوبی است تا افکار ضد انسانی حاکم بر ذهن ناقص و معیوب خود را، در آنجا پیاده کنند. دختران بدون تجربه و خام، اسیر دست آنان می شوند و بعد از تجاوز، مثل تقاله به گوشه خیابان پرتاب می شوند. تازه این اول راه است. بعد نوبت اعتیاد به انواع قرصها و حداقل سیگار است و بعد...

این دسته از دانشجویان، با پیروی از اندیشه های حاکم بر طبقه ای که بدان تعلق دارند، سعی در تزریق فرهنگ سراسر هرز آلوده و پست خود به دانشجویان محروم و بی پول دانشکده دارند تا آنها را از هرگونه حرکتی بازدارند. برخی دیگر هم در این بازی سوداگرانه وارد می شوند و آلت دست و بازیچه دسته اول محسوب می شوند. به عنوان پادو و پای انداز، هر کاری را که آنها می خواهند، به خوبی انجام می دهند، به شرطی که یک دور، سوار ماشین شان شوند و یا ته مانده غذای آنها را بخورند و اجازه داشته باشند که خود را دوستان نزدیک آنها نشان دهند.

اگر چند دقیقه ای بیرون فضای دانشکده باشی و توی خیابان پرسه بزنی، می بینی که سر و کله ماشین های سفارشی پیدا می شود، شاید با خودت فکر کنی: آمده اند برای نشان دادن جدیدترین مدل ماشین های خود، اما اینطور نیست. شاید برای گرفتن جدیدترین قرصهایی که به بازار آمده، اینجایند. باز هم نه.. دختری دانشجویی از بچه های رشته ما مثل مجسمه، جلوی مجسمه جلوی ماشین خشکش زده، چند قطره اشک می ریزد و بعد از چند لحظه، با لبخندی زورکی سوار ماشین می شود.

دوستی می گفت که مدیر کل دانشکده در یکی از روزهای آفتابی پاییز دو سال پیش، مرا به دفتر خود احضار کرد. وقتی وارد دفترش شدم، گفت:

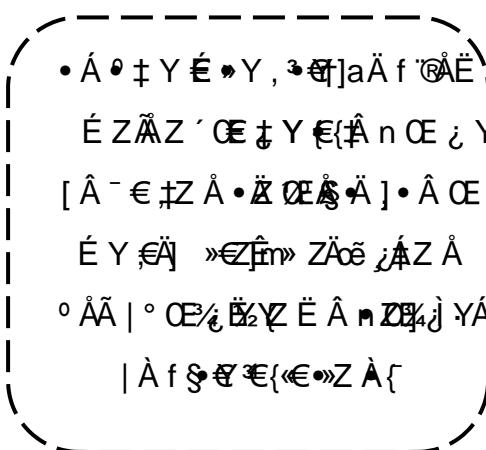
نظامی بر جامعه، برای اولین بار دانشجویان این دانشکده هم در کنار مردم قرار گرفتند. دفتر فرهنگ نشر اسلامی، تصمیم به برگزاری مجلسی با دعوت چند نفر گرفت. آنها همیشه برای خالی نبودن عریضه، این گونه مجالس در آستین دارند. با شروع مراسم در ساعت 10:30، دو تن از دانشجویان با در دست داشتن سه برگه که مدام در مورد آن بحث می کردند و برخی نیز از محتوای آن مطلع بودند، به سوی سالن اجتماعات رفتند.

ساعت 11 پس از اتمام سخنرانی یکی از مهمانان مزبور، یکی از دانشجویان به همراه متن بیانیه، بدون هماهنگی قبلی پشت تریبون رفته و در میان سکوت همگان، با مروری کوتاه بر تاریخچه جنبش دانشجویی، خواندن بیانیه را با اعتراض به نحوه برگزاری انتخابات، کودتایی خواندن دولت جدید، تحمیل خشونت و کشتار به دانشجویان و زیر پا گذاشتن آزادی آغاز کرد. در حین خواندن بیانیه، حراست دانشکده اقدام به قطع برق سالن و در نتیجه قطع میکروفن کرد. یکی از ماموران حراست، دانشجوی خواننده بیانیه را به پایین کشید، اما او دوباره بالا رفت و از همه دانشجویان خواست که سالن را به نشانه اعتراض ترک کنند. وی هنگام بیرون آمدن، مورد ضرب و شتم یکی از بسیجیان قرار گرفت. بلافاصله در سایه حمایت دیگر دانشجویان از خواننده بیانیه، فرد بسیجی متواری شد.

با بیرون آمدن از سالن، مساله جنبه وسیع تری یافته و بیش از 400 دانشجو در فضای نفس گیر و کوچک دانشکده، با شعارهای خود بر علیه بسیج، حراست و دولت، آماده خروج از دانشگاه شدند. دانشجویان با تشکیل تونلی انسانی، دانشجوی خواننده بیانیه را به بیرون از دانشگاه بردند. مردم محله شمس آباد، به دانشجویان پیوستند. دانشجویان با سر دادن شعارهایی چون: «دانشجو می میرد/ ذلت نمی پذیرد»، «مرگ بر دیکتاتور» و خواندن دسته جمعی سرود «یار دبستانی»، به طرف خیابان رفتند. حراست با دادن هشدارهایی، از دانشجویان خواست تا خواننده بیانیه را به حراست و آنها نیز او را به نیروی انتظامی تحویل

دانشجویی را که مشکل سیاسی در پرونده دارد، با انگ اخلاقی، به راحتی از دانشگاه اخراج می کنند، چه توقعی می توان داشت؟ می توان نتیجه را که برای همه مشخص و معین است، این گونه بازگو کرد:

دانشگاه آزاد اسلامی که به عنوان ارگانی جهت تقسیم اقتصادی و سیاسی دانشجویان، از میان بردن محیط علمی و دوستانه، ایجاد اختلاف میان دانشجویان و در نهایت، نابودی جنبش دانشجویی طراحی شد، تنها یکی از چندین راهی بود که نظام



کنونی حاکم بر کشورمان، به کار برد تا جنبش دانشجویی را از مسیر اصلی خود، خارج کرده و آن را از هم فرو بپاشاند. علاوه بر این، تاسیس انواع و اقسام دانشگاه ها و تقسیم دانشگاه های ملی، به عناوین مختلف مانند غیر انتفاعی و پیام نور هم راه هایی دیگر برای همین منظور بود.

آغاز مبارزه:

دانشجویان آزاد بر می خیزند

اما تمام این ترفندها برای به انحراف کشیدن ها و تلاش برای خنثی سازی دانشجویان، در روز دوشنبه گذشته نقش بر آب شد. در این روز در دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی واحد تهران شمال، حال و هوای دیگری حاکم شد که برنامه ریزان این دانشگاه خواب آن راهم نمی دیدند.

دو شنبه 23 آذر 1388، یک هفته پس از برگزاری مراسم روز دانشجو در سراسر دانشگاه های کشور، به رغم همه فشارها، سرکوب ها و سلطه

«بشین!» و تمام دو ساعتی که با حرص، وراجی می کرد، از من می خواست که هیچ فعالیتی نکنم. به او شرح ماجراها و وضعیت اسف بار دانشکده را توضیح دادم. با کمال وقاحت و رذالت از صندلیش بلند شد و گفت: «من همه اینها را می دانم. آنها به خودشان ضربه می زنند و ضربات آنها جسمی است، اما تو به کل جامعه ضربه می زنی و فکر آنها را خراب می کنی!» از من خواست که دیگر با کسی، راجع به مسائل جامعه صحبت نکرده و هیچ کتابی برای مطالعه، به کسی ندهم. مدیریت دانشگاه برای پخش مواد مخدر شرایط را فراهم می کرد اما از بحث سیاسی، اجتماعی و علمی متنفر بود.

پخش مواد مخدر همیشه با سکوت دائمی نهاد حراست همراه بوده است. گاهی رشوه، مهری از جنس مرگ، بر لبان ورم کرده و وجدان فرو خفته آنها می زند. اگر نگارنده، این معضلات اجتماعی گسترده را با چشم خود ندیده بود، شاید جای شک و شبهه باقی می ماند، اما هم اکنون همه مسایل از روز برای من روشن تر است: اینکه چرا با وجود این همه جرم، بیماری و آسیب های فراوان موجود، هیچ یک از مقامات مسئول، قدمی هرچند کوچک، جهت کاهش مشکلات دانشگاه بر نمی دارد.

از مقامات دانشگاه و هیات علمی که خود به هیچ وجه از صلاحیت، کفایت علمی و فنی لازم و ضروری برخوردار نیستند و گاهی از کسانی هستند که با مدارک جعلی، به عنوان استاد استخدام شده و از اعضای هیات علمی و کادر مدیریت شده اند، انتظاری نمی توان داشت. از کسانی که خود در رشته ای که تدریس می کنند، هیچ تخصص، تجربه، مهارت و سابقه ای ندارند و با فکر یک بعدی و ذهنی از کار افتاده، در کلاس درس حاضر می شوند و پاسخ هر سوال و نقدی را، با مشروطی و اخراج از دانشگاه می دهند و هر مخالفتی را با برچسبی خاص، انگ می زنند، توقعی نباید داشت. از کسانی که بویی از مطالعه دقیق، مشاهده علمی، کتاب خواندن، موشکافی پدیده ها و شناخت آنها نبرده اند و هر

سایر دانشگاه ها و مردم زحمتکش ایران، اکنون راه جدیدی را یافته اند. تمام تلاش مدیران مزدور این دانشگاه برای به فساد کشاندن دانشجویان، نقش بر آب شده است. آنها با ترساندن دانشجویان، به خیال خام خود می خواهند شرایط گذشته را به دانشگاه باز گردانند اما همبستگی و همراهی میان دانشجویان، آن چنان زیاد شده است که به سادگی نمی توان آنها را از راهی که انتخاب کرده اند باز داشت.

به امید آن که این راه تا رسیدن به آزادی ادامه پیدا کند.

مناسبت روز دانشجو برگزار شود. اعضای انجمن برای گرفتن مجوز مراسم، چندین هفته تلاش کرده بودند، اما مراسم از سوی حراست و بسیج تا اطلاع ثانوی لغو شد.

حتی تا چند روز بعد نیز، بسیج و حراست به هر بهانه کوچکی به این و آن می پریدند یا دانشجویان را به دفتر دانشکده احضار می کردند. اما دانشجویان که از آن همه تحقیر دوران گذشته، تازه بیرون آمده اند، به هیچ وجه اجازه نمی دهند تا بار دیگر آن فضا بر دانشگاه حاکم شود. فضای سراسر جنب و جوش دانشکده همچنان ادامه دارد. دانشجویان این دانشگاه، در کنار دانشجویان

دهند. در همین هنگام، یکی از مردم محله، به سوی ماموران هجوم برد و آنها را به داخل اتاق نگهبانی فراری داد.

با آمدن نیروی انتظامی، شعارهایی بر علیه آنها داده شد. با اضافه شدن نیروهای بسیج و حراست، آنها توانستند بسیاری را متفرق کنند. یکی از دانشجویان، محتاطانه و با تظاهر به اینکه این تجمع باید ادامه داشته باشد، از جمع خواست تا کسی شعار ندهد. کلاس های درس تعطیل شدند و دانشجویان به نشانه اعتراض، تا ساعت 15 در حیاط ماندند. فردای آن روز، قرار بود مراسمی از سوی دفتر انجمن علمی علوم اجتماعی به

ساعتی چند در دهلیزهای دادگاه انقلاب

یک متهم

بر طبق احضاریه باید ساعت 9 خودمان را به دادگاه معرفی کنیم. از ساعت 8 و نیم منتظر آمدن وکیل در جلوی در دادگاه هستیم. باز هم خیابان معلم. همان جا که میعادگاه خانواده ها و زندانیان سیاسی و یا زندانیان مواد مخدر است. قیافه ها دو گونه هستند از دور که می آیند مشخص است. می گوئیم پرونده این یکی سیاسی است و آن دیگری مربوط به مواد مخدر. کم کم وکلای آشنایی را هم می بینم. آنهایی که فقط پرونده های سیاسی را قبول می کنند. با بعضی که آشنا هستم سلام و احوال پرسی می کنم. قرار است چند تا از زندانیان سرشناس را هم امروز محاکمه کنند. بالاخره ساعت 9 می شود و وکیل هم می آید. من هیچ کارت شناسایی بجز کارت خبرنگاری همراه ندارم. اما بدون چون و چرا آن را قبول می کنند. از همین جا معلوم می شود که کارت روزنامه نگاری را فقط دادگاه انقلاب به رسمیت می شناسد. زیرا این کارت در هیچ اداره دیگری به رسمیت شناخته نمی شود. خوشحال می شوم. بالاخره یک جا این کارت به رسمیت شناخته می شود. هر چند برای محاکمه و مجرمیت باشد.

زن حمایت می کند. میان نگهبان زن و مرد مشاجره ای در می گیرد. نگهبان مرد به او توهین می کند. او هم به سرنگهبان شکایت می کند.

نگهبان مرد، سرباز جوانی است که دوره سربازی را می گذراند. وقتی با نگاه های دیگر حاضران مورد توبیخ قرار می گیرد، خطاب به همه می گویند «اگر ذره ای مواد مخدر رد و بدل شود، من بازداشت می شوم و روزگارم سیاه می شود. من تقصیر ندارم..»

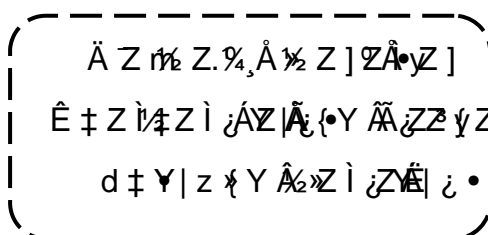
دختر جوان شرح حال مادرش را می گویند: «97 گرم کراک از منزل مان گرفته اند. مال عمویم بود. اما عمویم فراری است. مادرم یک سال است که زندان است. اکنون خودش به گردن گرفته و می خواهد محکومیت بگیرد.» در برابر سوال ما که پس پدرت کجاست؟ می گویند: «او هم به جرم مواد مخدر محکومیتی 5 ساله دارد. منزلشان پاکدشت است.. کرایه خانه مان راعمویم می دهد و مخارج زندگی مان را هم نامزدم.»

من هم فکر می کنم آن نامزد، آن عمو، این دختر و آن مادر و آن پدر .. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

ناگهان یک زندانی سراغ مان می آید. می گویند دانشجوی... است. یک ماه و نیم است در زندان است و هیچ وکیلی ندارد. از ما می خواهد با وکیلش تماس بگیریم. می گویند در بند 5 اوین است. زندانیان در آنجا به صورت جمعی زندگی

بالاخره روزنامه نگار همین که این شغل را انتخاب می کند، باید بداند که اینجا سر و کارش بیشتر با کجاست.

از پله ها با طمانینه بالا می روم و در این فکر که «بگو فردا چه خواهد شد». درب دادگاه بسیار شلوغ است و افراد زیادی پشت در اتاق نشسته اند. وقتی به دفتر دادگاه مراجعه می کنیم، می گویند پرونده شما امروز در دستور کار نیست. وکیل هم دادگاه دیگری دارد. وکالتنامه را به دست خودمان می دهد و می گویند باشید تا من از دادگاه برگردم. ما هم کنار راهرو می نشینیم.



زنی میانسال نزدیک مان نشسته است. او را یک نگهبان مرد و یک نگهبان زن از قفل حصار آورده اند. یک دختر جوان و دو کودک ده و دوازده ساله برای دیدن او آمده اند. پسرک می خواهد کنار مادرش بنشیند. نگهبان مرد او را با خشونت از کنار مادرش دور می کند. اشک در چشمان کودک حلقه می زند. اما مادر کاری نمی تواند بکند. زندانی به نگهبان مرد اعتراض می کند که چرا اشک بچه را در آوردی. من نگهبان زن دارم به تو ربطی ندارد. نگهبان زن هم تلویحا از زندانی

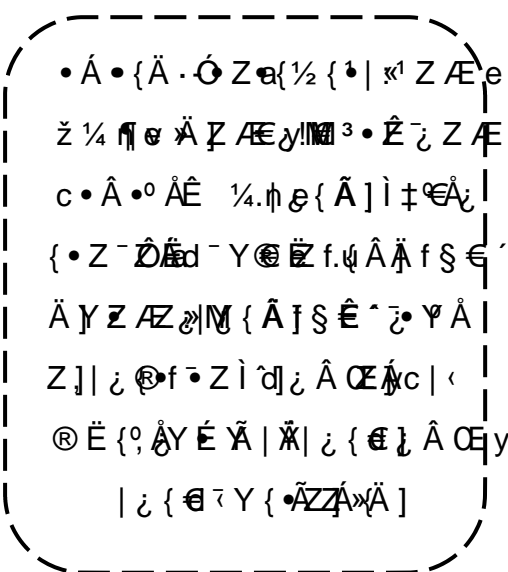
به یاد دستگیر شدگان روز جهانی کارگر در پارک لاله می افتم که به همین ترتیب، پشت سر هم آنها را به پیش بازپرس می بردند. اتهام: قدم زدن در پارک لاله در روز جهانی کارگر! آخر آنها به محل تجمع هم نرسیده بودند. تجمعی هم صورت نگرفته بود. حتا یک تراکت و یا پلاکارد هم از کسی نگرفته بودند. اما آنها را به شدت و با خشونت بسیار کتک زدند، با خشونت بردند و عده ای را هم نزدیک به دو ماه بازداشت کردند. اکنون هم با قرار وثیقه آزادند و دادگاه و.. گناه آن است که از طایفه رنجبرم.

روزنامه نگار هم باشی، در پارک هم قدم بزنی، روز کارگر هم باشد.. وای به حالت! درست مثل آن است که دانشجو باشی و روز دانشجو هم باشد و در دانشگاه هم باشی، دیگر چه شود؟! ناگهان قافله ای سی نفره را دستبند زده می آورند. یکی ناله می کند که دستشویی دارد و نگهبان او را نمی برد. فقط می گوید بدو بدو به صف..

بالاخره آنها را هم یکی یکی به دفتر دادگاه می برند. در همین زمان وکیل ما هم برای استمهال به دفتر دادگاه می رود. می گوید قاضی وقت نداشت. معنادان را مسئول بایگانی بازجویی می کرد..

روزگار غربی است نازنین.. مهلت دادگاه ما هم به بعد موکول می شود. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

وجود نداشته است. شخصی از خارج با او تماس می گیرد و او نمی دانسته که جزو کدام گروه است و هنگامی که اطلاعات به او گفته که او مجاهد است دیگر با آن شخص تماس نداشته. مولکش فعال حقوق بشر بوده و برای زندانیان سیاسی وکیل می گرفته و درباره زندانیان اطلاع رسانی می کرده است و به خانواده هایشان سر می



زده است. جرمش آن بود که اسرار هویدا می کرد..

علاوه بر آن، جرم دیگر مولکش آن است که کرد است و دانشجو. چه جرم های عجیبی در این دیار یافت می شود. در کنار آن، فروشندگان و توزیع کنندگان خرده پایی که پشت در اتاق قاضی به صف نشسته اند و منتظر گرفتن حکمند.

می کنند. می گوید زید آبادی را خیلی زده اند. از بند دو الف که در دست سپاه است می گوید. آنجا شرایط سخت است و پذیرایی مفصل. می گوید رکورد دار بند دو الف بوده است و خیلی کتک خورده است، هشت روز در آنجا بوده، که البته بسیار سخت است. من هم به یاد دهه شصت می - افتم که رکوردهای 40 و 50 ماهه ما همه در سلول های مختلف و با شرایط آن چنانی و در دست همین اصلاح طلبان فعلی. شلاق ها و سپس قپانی زدن ها و آویزان کردنها و قیامت حاج داوود در قزل حصار، تابوت ها و آپارتمان ها... که هر یک شرح مفصل دارد.

آه که دنیا چقدر عجیب است. در همین موقع آقای تاج زاده در میان دو مامور از راهرو می گذرد. من باز هم به یاد دهه شصت می افتم. در راهروهای دادستانی اوین و با چشم بند، پابند، دستبند قپانی، پاهای زخمی و شلاق روزانه و آن صحنه های عجیب در دست پیروان راستین..

پدر دو دانشجو را می بینم که در راهروها به دنبال کسب خبری از فرزندانش هست که 16 آذر دستگیر شده اند. مادر و خواهران دانشجویان دیگری را که در 13 آبان دستگیر شده اند و.. بالاخره وکیل ما هم دادگاهش تمام می شود. شاکی است چرا که به مولکش اتهام محاربه زده اند به اتهام رابطه با مجاهدین. اتهامی که این روزها به بسیاری می زنند برای اینکه بتوانند حکم های بالا بدهند و یا بترسانند.. اما هیچ رابطه ای

مناسبات اجتماعی تولید و

شرایط عینی انقلاب

جلال فتاحی

تغییر و دگرگونی در جوامع انسانی، از نظر تاریخی هنگامی در دستور قرار گرفته است که انسان ها و زندگی روزمره آنان در چارچوب مناسبات موجود اجتماعی با موانعی روبرو شده است. اگر در نظر بگیریم که انسان ها در جریان گسترش روند زندگی و نحوه تامین معاش و بدست آوردن لوازم ضروری برای بقای حیات،

کند. در تاریخ زندگی بشر می توان چندین مرحله برای این تغییرات ذکر کرد:

1- اولین تغییر در مناسبات اجتماعی انسان ها، هنگامی به وجود آمد که انسان ها در زمین های کشاورزی ساکن شده و از دوره کوچ نشینی و غارنشینی وارد زندگی اسکان یافته شدند. یعنی آن زمان که انسان ها آموختند که می توانند با شخم زدن زمین و کاشت دانه های کشاورزی و مراقبت از آنها، به تولید محصولات بیشتری دسترسی پیدا کنند و مواد غذایی را ذخیره کنند.

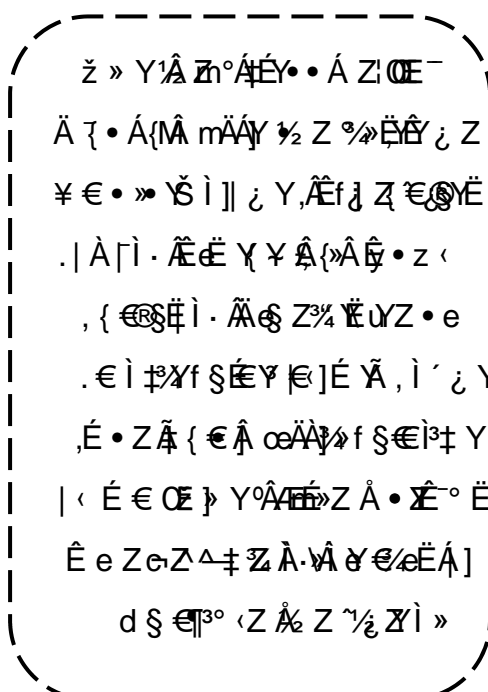
تا قبل از آن زمان، هنگام جنگ و ستیز میان قبایل

نیاز به مناسباتی در میان خود دارند، این مناسبات باید به گونه ای باشد که ادامه زندگی را میسر ساخته و سبب ارتقای تولید محصولات مادی و گسترش و بهبود زندگی انسان ها شود. مناسبات تولیدی که میان انسان ها برقرار می شود، برای گسترش و بهبود زندگی آنان است. اما با پیشرفت جوامع انسانی و دستیابی انسان ها به ابزار دقیق تر، بزرگتر و مناسب تر برای ادامه زندگی اجتماعی، این مناسبات ضرورتاً تغییر می کند، یعنی آنکه مناسبات قدیمی دیگر برای ادامه گسترش زندگی انسان ها کافی نبوده و باید تغییر

آزادی های فردی و اجتماعی می بایست شکل بگیرد، با گسترش تولیدات صنعتی بزرگ و اجتماعی شدن تولید و شکل گیری قدرت های بزرگ اقتصادی بر مبنای کار جمعی، با مشکل مناسبات تولید مواجه شد. تولید سرمایه داری، از جهتی به خاطر گسترش صنایع و ماشین آلات و خدمات به هم پیوسته شهرنشینی و تولید صنعتی، هر روز خصلت اجتماعی تری بخود گرفته و هر روز ضرورت گسترش نیروی کار و اهمیت آن را بیشتر نشان می دهد، در صورتی که مناسبات سرمایه داری، که در ابتدا بر مالکیت خصوصی ابزار تولید و فروش نیروی کار دهقانان آزاد شده از زمین بود، با این خصلت اجتماعی در تعارض قرار گرفت. میان مالکیت فردی بر ابزار تولید گسترش یافته، با خصلت اجتماعی تولید، که اساسا بدون مشارکت وسیع و به هم پیوسته نیروی کار امکان پذیر نمی باشد، تعارض وجود دارد. هر چه روز به روز ابزار تولید و نیروهای مولده گسترش بیشتری می یابند، اهمیت انسان و نیروی کار جمعی او در این زمینه آشکارتر می شود. هر چه جامعه پیشرفته تر و متمدن تر می شود، ارزش نیروی کار خود را بیشتر نشان می دهد. اما صاحبان امتیاز و وابستگان طبقات کهن، حاضر نیستند از امتیازات قدیمی خود دست بردارند. آنان در آرزوی قدرت اشرافی گری و سینیورهای دوران ابتدای گسترش سرمایه داری هستند و در برابر خصلت اجتماعی تولید و تغییر مناسبات قدیم، با تمام توان ایستادگی می کنند.

با ذکر نمونه های فوق در تاریخ زندگی اجتماعی، تغییر مناسبات اجتماعی، هنگامی ضرورت می یابد که نیروهای جدید تولید و یا نیروهای مولده، که شامل ابزار تولید و نیروی کار است، به سطح جدیدی می رسند. از این لحظه به بعد است که تعارضات اجتماعی آغاز می شود. یعنی نیروهای مولده جدید با مناسبات قبلی همخوانی ندارد و خواهان چارچوب دیگری برای گسترش خود است. این تعارضات اجتماعی، ابتدا به صورت پراکنده در یک بخش یا در یک واحد اجتماعی، در یک واحد تولیدی و یا حتا در یک شهر، قابل

همانا حکومت اشراف و صاحبان زمین بود، مجددا به مانعی در جهت گسترش تولید تبدیل شد. اگر در دوره قبل، برده داری به مانعی در جهت گسترش تولید تبدیل شده بود، این بار فئودالی و مالکیت زمین و بهره مالکانه، به مانعی در جهت گسترش نیروهای مولده جدید، که همانا صنعت و تولید ماشینی بود، مبدل شده بود. صنعت و تولید صنعتی، نیاز به نیروی کار آزاد و زمین آزاد برای سرمایه گذاری داشت. مناسبات کهنه فئودالی، با محدود و وابسته کردن نیروی کار به زمین اربابی، در تضاد با گسترش این نیروهای



تولید قرار داشت. صنعت و تولید صنعتی نیاز به آزادی های ابتدایی برای شکل گیری انسان هایی آزاد داشت تا بتواند با اختراعات و اکتشافات، هزاران رشته صنعتی را گسترش دهد، تخصص های لازم را کسب کرده و چرخش آزاد سرمایه و نیروی کار را تضمین کند. نیاز به نیروی کاری داشت که بدون تعلق به سرزمین، هر کجا که لازم می شد کار کند و آنچنان بی چیز و گرسنه باشد که تحت هر شرایط غیر انسانی هم، مجبور به کار کردن برای سرمایه دار باشد. مناسبات فئودالی و اشرافی گری مانع این کار بود. پس باید این مناسبات تغییر می کرد.

4- اما استقرار مناسبات سرمایه داری، که بر مبنای

و گله های انسانی، اسیر گرفتن مفهومی نداشت. زیرا گرفتن اسیر به معنی آن بود که فردی به افراد قبیله اضافه شود و چون منابع غذایی محدود بود، اضافه شدن فرد جدید به مفهوم شریک شدن او در آن منابع غذایی بود، به مفهوم نان خور اضافه. اما کشف کشاورزی و اسکان جوامع انسانی، این امکان را به وجود آورد که یک فرد انسانی، بتواند بیش از مصرف شخصی خود، مواد غذایی تولید کند. تصاحب این اضافه تولید یک فرد، انگیزه ای شد برای گرفتن اسیر. اسیر گرفتن به منظور برده سازی، یکی از کارهای مهم جوامع بشری شد و بدین ترتیب اولین مناسبات طبقاتی میان انسان ها شکل گرفت. برای قرن ها اسیر گرفتن و تبدیل او به برده، آن چنان رونق یافت که تمدن های بزرگی همانند مصر، آشور، روم و یونان، بر مبنای برده داری، تربیت برده و کار کشیدن از بردگان رشد کرد. شهرهای زیادی با نیروی کار بردگان ساخته شد. برای بیش از دو هزار سال، کشورهای بزرگی بر مبنای حکومت های برده داری، بر روی زمین تسلط داشتند.

2- دومین تغییر هنگامی به وجود آمد که ابزار تولید پیشرفته تری همانند خیش دو سر به جای خیش یک سر توانست تغییری در کشاورزی به وجود آورد و تولید کشاورزی را به آن میزان افزایش دهد که بردگان تبدیل به دهقانان نیمه آزاد و یا آزاد شوند. زیرا با گسترش شهر نشینی و گسترش شورش بردگان، دیگر تولید به شیوه برده داری امکان پذیر نبود. اکنون تولید کشاورزی به آن اندازه گسترش یافته بود که بتواند هم سهم اضافی به برده داران بدهد و هم زندگی برده و تعدادی افراد دیگر را به عنوان خانواده او تامین کند. پس دیگر ضرورت تغییر در مناسبات اجتماعی فراهم شده بود. شورش های بردگان، نابودی امپراطوری برده داران را با استقرار نظامی دیگر بر مبنای دهقان آزاد نوید می داد. پس مناسبات قدیم و قوانین برده داری دگرگون شد.

3- بار دیگر در جامعه انسانی با جایگزین شدن ابزار و سازمان تولید پیشرفته دیگری به عنوان ماشین و تولید صنعتی، مناسبات قدیمی تولید که

مشاهده است. این تعارضات اجتماعی، به هر شکل ممکن است بروز و ظهور کند. به شکل اعتراضات مذهبی: «پروتستان و کاتولیک»، به شکل اعتراضات قومی: «اقلیت های قومی در برابر اکثریت» و یا به شکل اعتراضات اقتصادی «شورش گرسنگان و بردگان و فرودستان» اما تمام این اعتراضات بیانگر آن هستند که مناسبات کهنه اجتماعی، با نیروهای مولده جدید و ضرورت گسترش آن، همخوانی ندارد. اگر نیروهای مولده جدید، نیاز به امنیت بیشتری برای تداوم تولید دارد، پس اعتراضات می تواند خود را به صورت مبارزه برای امنیت شغلی، تامین اجتماعی، امکانات بهداشتی و آموزش و غیره نشان دهد. اگر نیروهای

مولده جدید نیاز به آموزش بیشتر برای تداوم

خود دارد، پس اعتراضات می تواند به صورت نیروهای تحت آموزش: «دانشجویان و معلمان و غیره» خود را نشان دهد.

اگر نیروی مولده جدید نیاز

به کار همگان و آزادی آنان از قید و بندهای گذشته دارد، پس اعتراضات می تواند خود را به صورت آزادی های اجتماعی، مبارزات زنان و غیره نشان دهد. اما این تعارضات در ابتدا پراکنده و مربوط به یک بخش و یا یک موسسه کوچک و یا حتی یک منطقه خواهد بود، ولی همه آنها بیانگر ضرورت تغییر در مناسبات اجتماعی است.

وضعیت انقلابی

تعارض میان نیروهای مولده و مناسبات قدیمی تولید (یا به عبارتی میان نیروی کار جدید و طرفداران امتیازات گذشته) به جایی می رسد که از اعتراضات پراکنده و مقطعی به اعتراضات سراسری و همه جانبه تبدیل می شود. اعتراضاتی که در گذشته سرکوب می شد و گسترش نمی یافت، یا حتی در نطفه خفه شده و کسی صدای آن را نمی شنید، یا با گرفتن چند امتیاز اولیه به سکوت کشانده می شد. اما در وضعیت انقلابی،

یعنی غلبان و جوشش همه جانبه، تعارضات دیگر به سادگی قابل سرکوب نیست و به سادگی نمی توان آن را به سکوت واداشت. آن مردمی که تحت ستم بودند (بردگان، دهقانان و در نهایت کارگران) و اعتراضاتشان سرکوب می شد و یا اساسا اعتراض نمی کردند و به آنچه که حاکم بود، به راحتی تن می دادند، اکنون در شرایط جدید، به راحتی حاضر نیستند همانند گذشته با یک امتیاز کوچک قانع شده و یا با یک سرکوب ساده، سر جای خود بنشینند. علاوه بر آن، به یک اعتراض سراسری کشیده می شوند، به گونه ای که حتی بخش هایی از طبقه حاکمه نیز خواسته های آنان را تایید می کنند و نیروهای سرکوب که در گذشته

به راحتی اعتراضات را خاموش می کردند، دیگر قادر نیستند به شیوه گذشته، اعتراضات را سرکوب کنند و با خیال راحت به کار خود ادامه دهند. این وضعیت، وضعیت انقلابی

است.

می توان به لحاظ دیالکتیکی و به زبان هگلی، موضوع را چنین توضیح داد: تعارضات از یک آنتی تر آغاز می شود. اگر جامعه قبلی را به عنوان تر در نظر بگیریم و تغییر در ابزار تولید را، عنصر آنتی تر بنامیم، جامعه نوین سنتز آن دو خواهد بود، اگر زمینه برای تغییر آماده باشد. جامعه موجود مانند هر تر دیگری است. آنتی تر از اولین عنصر که همان تغییر در ابزار تولید است آغاز می شود. این عنصر رشد یافته و در هر زمینه به تعارضات با ابزار تولید قدیمی و لاجرم به تغییر در مناسبات تولید می انجامد. مرحله نطفه ای و رشد و بلوغ خود را در اعتراضات مردمی گذرانده و در وضعیت انقلابی به بلوغ خود می رسد. اما هر وضعیت انقلابی به انقلاب نمی انجامد، همان گونه که هر زایمانی، بچه سالم تحویل نمی دهد. شرایط برای تولد جدید و سالم باید فراهم باشد.

قلم چرخید و فرمان را گرفتند

قلم چرخید و فرمان را گرفتند

ورق برگشت و ایران را گرفتند

به تیتتر «شاه رفت» اطلاعات

توجه کرده، کیهان را گرفتند

همه از حجره ها بیرون خریدند

به سرعت سقف و ایوان را گرفتند

گرفتند و گرفتن کارشان شد

هر آنچه خواستند آن را گرفتند

به هر انگیزه و با هر بهانه

مسلمان، نامسلمان را گرفتند

به جرم بدحجابی، بد لباسی

زنان را نیز، مردان را گرفتند

سراغ سفره ها، نفتی نیامد

ولیکن در عوض نان را گرفتند

یکی نان خواست بردنش به زندان

از آن بیچاره دندان را گرفتند

یکی آفتابه دزدی گشت افشا

به دست آفتابه داشت، آن را گرفتند

یکی خان بود از حیث چپاول

دوتا مستخدم خان را گرفتند

بده مژده به دزدان خزانه

که شاکی های آنان را گرفتند

چو شد در آستان قدس دزدی

گداهای خراسان را گرفتند

به جرم اختلاس شرکت نفت

برادرهای دربان را گرفتند

نمی خواهند چون خر را بگیرند

محبت کرده پالان را گرفتند

غذا را آشپز چون شور می کرد

سر سفره نمکدان را گرفتند

چو آمد سقف مهمانخانه پایین

به حکم شرع، مهمان را گرفتند

به این گله دوتا گرگ خودی زد

خدایی شد که چوپان را گرفتند

به ما درد و مرض دادند بسیار

دلیلش اینکه درمان را گرفتند